

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بزه‌دیدگی اطفال با تأکید بر آموزش و خانواده

عصمت‌الله بیانی*

چکیده

یکی از قشرهای آسیب‌پذیر جامعه در برابر جرایم، اطفال هستند، اطفال به دلیل داشتن وضعیت جسمانی و روانی ضعیف، در برخی از موارد به‌عنوان آماج بزه‌کاران انتخاب می‌شوند. در بزه‌دیدگی اطفال می‌توان عوامل زیادی را برشمرد که از جمله‌ای آن عوامل می‌توان به عوامل اجتماعی که بسیار تأثیرگذار است اشاره کرد اطفال علاوه بر این که در محیط خانواده و جامعه با انواع خشونت مواجه‌اند، در محیط آموزشی (مدارس و مراکز آموزشی) با انواع خشونت‌ها نیز گرفتارند این خشونت‌ها پیامدهای ناگوار روانی و جسمی برای اطفال به بار می‌آورد. متأسفانه امروز نیز به‌عنوان پدیده‌ای رو به‌رشد در جوامع مختلف از آن یاد می‌شود و به‌عنوان یک معضل مهم اجتماعی مطرح است که متأسفانه حرکت صعودی هم دارد، نه این‌که صرفاً یک پدیده نوظهور باشد، از طرف دیگر، در محیط خانواده نیز میزان سواد، اعتیاد، سابقه کیفری والدین، طلاق، افراط و تفریط در محبت، نقش مهم و کلیدی، را در بزه‌دیدگی اطفال ایفا می‌کند. تنبیه‌های بی‌جا و بی‌مورد ایجاد ترس و هراس و هزینه‌های آموزشی از عوامل دیگری است که در محیط آموزشی بر بزه‌دیدگی اطفال کمک می‌کند. با توجه به گستردگی عوامل بزه‌دیدگی اطفال، تنها به دو عامل (آموزش و خانواده) می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، اجتماع، خانواده، آموزش، فقر و اعتیاد، افغانستان.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و دارای ابعاد فیزیکی و روانی خاص خود که طبیعتاً همراه این قابلیت‌ها در تربیت و رشد او مؤثر است. طفل نیز تابع این قاعده است و برای شناخت درست مفهوم و معیار کودکی و حقوق متناسب با رشد و شخصیت وی، می‌بایست همه‌ای ابعاد را در نظر گرفت اطفال به دلیل عدم رشد و تکامل جسمی و روانی و وابستگی به غیر، همواره ممکن است در معرض آسیب‌های جسمی، روانی، عاطفی، اخلاقی و ستم‌های گوناگون حقوقی قرار گیرند. اطفال در تمام زمان‌ها و زمینه‌ها، بی‌دفاع‌ترین قشر و قربانیان خاموش جامعه بشری‌اند که بیش از هر قشر دیگر، به حمایت‌های دل‌سوزانه و جدی نیاز دارند، حتی در همین عصر خرد، آگاهی و گفتمان حقوق بشر، اطفال بزرگ‌ترین طیف قربانیان قاچاق، سوءاستفاده‌های جنسی، به‌کارگیری اجباری در مخاصمات مسلحانه و حتی بردگی مدرن را تشکیل می‌دهند. مشکلات و محرومیت‌های را که اطفال متحمل می‌شوند، معضل بزرگی را فراروی جامعه انسانی قرار داده است عدم برخورداری اطفال از حقوق اولیه، تغذیه نامناسب، عدم دسترسی به تعلیم و تربیت، بهداشت و سایر حقوق اولیه و بنیادین که برای تمام اطفال ضروری است، به‌صورت عام در نقاط مختلف جهان و به‌صورت خاص در افغانستان شیوع دارد. طبق اعلامیه جهانی بقا، رشد و حمایت از حقوق اطفال هر روز میلیون‌ها طفل زیر ضربات شکننده‌ای فقر، بی‌چارگی، بحران‌های اقتصادی به‌واسطه گرسنگی و بی‌خانمانی، بیماری‌های واگیر، بی‌سوادی و تخریب محیط‌زیست شدیداً آسیب می‌بینند پیامدهای وخیم مشکلات دیون خارجی و نیز فقدان رشد مستمر و پابرجا، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه توسعه نیافته‌ترین آن‌ها، به اطفال آسیب می‌رسانند بر همگان آشکار است که وضعیت اطفال در افغانستان، در تمام ابعاد آن نیازمند تأمل و توجه فراوان است، اما خطرات و آفات بی‌شمار که بر مشکلات اطفال افزوده، سوء استفاده‌های جنسی، مجبور کردن به کارهای شاقه و

سرقت، مخاصمات مسلحانه و نیز اعتیاد والدین شان است. اگرچه در بزه‌دیدگی اطفال، عوامل زیادی هم‌چون: عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دخالت دارند، ولی در این مقاله، به بررسی عوامل اجتماعی این پدیده در قالب سه گفتار الف. مفاهیم، ب. عامل خانوادگی، ج. عامل آموزش محیطی پرداخته شده است در اخیر نتیجه‌گیری ارایه می‌گردد.

۱. مفاهیم

۱.۱. مفهوم طفل

۱.۱.۱. طفل در لغت

طفل که جمع آن اطفال است اگرچه طفل اسم جنس است که هم برای جمع و هم برای مفرد به کار می‌رود (الطفل الصغير من كل شئ) یعنی طفل کوچک هرچیزی را می‌گویند. (المنجد، لوح فشرده، ۴۶۷) این واژه به معنای نازپرورده از هرچیزی، نیز آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه طفل) و همین‌طور به بچه و نوزاد آدمی و کودک و مولود، طفل اطلاق می‌گردد. واژه طفل، در لغت به معنای خرد و کوچک و در مورد انسان به کم‌سالی و خردسالی تعبیر شده است. بنابراین، صغیر، نقطه مقابل کبیر و به معنای طفل است، راغب اصفهانی می‌گوید: طفل تا وقتی گفته می‌شود که بدن او نرم باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۹) در اقرب آمده به کوچک هرچیز طفل گویند. (الشرتونی، [بی‌تا]: ذیل واژه طفل) و در نه‌ایه، آمده است: طفل به معنای بچه است که بر پسر و دختر و جمع اطلاق می‌گردد. (دانش، ۱۳۷۸: ۲۴۶) واژه طفل، یا همان کلمه کودک، در ادبیات فارسی با کلماتی مانند کوچک، صغیر، فرزند، دختر، یا پسری که به حد بلوغ نرسیده، باشد، طفل، دختر بچه، یا پسر بچه، خردسال، مترادف است. (معین، ۱۳۶۴: ج ۲، ۳۱۱۷)

۲.۱.۱. طفل در اصطلاح

واژه طفل در اصطلاح نیز نزدیک به معنای لغوی آن آمده است و در قرآن کریم نیز همین معنا را تأیید می‌کند؛ زیرا در آیاتی از قرآن کریم می‌خوانیم: (...والطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء...) (نور/ ۳۱) یعنی زنان زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهران شان، یا اطفالی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند. یا در جای دیگر

قرآن می‌فرماید: (واذا بلغ الاطفال منكم الحُلُم...) (نور / ۵۹) یعنی هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ می‌رسند باید اجازه بگیرند.

۲.۱. مفهوم بزه‌دیده

بزه در زبان فارسی به معنای گناه، خطا، عصیان و تقصیر به کار برده می‌شود. بزه‌دیده نیز یکی از واژه‌های مرکبی است که از ترکیب یک اسم به نام «بزه» و پسوند صفت‌ساز «دیده» حاصل شده است. بر این اساس، بزه‌دیده از نظر لغوی شخصی است که علیه او گناه، خطا یا تقصیری رخ داده باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۳، ۴۷۱۹) بزه‌دیده، ترجمه واژه انگلیسی «victim» است و به شخصی گفته می‌شود که به دنبال وقوع یک جرم، آسیب، زیان یا آزار می‌بیند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۹: ۱۷) در اصطلاح، بزه‌دیده فردی است که تمامیت شخصی وی با یک عامل خارجی که هم برای خود وی و هم برای جامعه مشخص است، مورد تعرض و آسیب واقع شده است. (ژرار، ۱۳۸۸: ۲۳) هم‌چنین ماده ۱ بخش الف از «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم» مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۵)، بزه‌دیده را چنین تعریف می‌کند: «بزه‌دیدگان اشخاصی‌اند که در پی فعل‌ها یا ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو، از جمله قوانینی که سوء استفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند، به صورت فردی یا گروهی، به آسیب از جمله آسیب بدنی و روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود، دچار شده‌اند.» در دهه ۷۰ میلادی، عزت عبدالفتاح، با طرح سؤال‌های جدیدی، بزه‌دیده شناسی را گسترش داده، یکی از سؤالات نامبرده این است که «آیا بزه دیده هم مقصر است یا خیر؟» (رایجیان اصلی، پیشین) دکتر فتاح، بزه‌دیدگان را به هفت گروه زیر، به نام قربانیان هفت‌گانه تقسیم کرده است.

۱. قربانیان حوادث طبیعی، نظیر سیل، زلزله، آتش‌فشان و...
۲. قربانیان بیماری‌های مختلف؛ چون ایدز، سل، سفلیس، سرطان و...

۳. قربانیان سوانح؛ مانند پرت شدن از کوه، تصادم قطار، سقوط هواپیما، تصادفات اتومبیل و...

۴. قربانیان جنگ و نسل‌کشی؛ نظیر آوارگان فلسطین، کشته شدگان بوسنی و...

۵. قربانیان تبعیض، نظیر برخی اقلیت‌های قومی در اروپا، بومیان استرالیا، سرخ‌پوستان آمریکا و...

۶. قربانیان دیکتاتوری؛ مانند ملت‌های افغانستان در زمان حکومت عبدالرحمان، عراق در زمان صدام، شیلی در زمان ژنرال پینوشه، اسپانیا در زمان ژنرال فرانکو و...

۷. قربانیان جرایمی که اختصاراً بزه‌دیده نامیده می‌شوند. منظور از بزه‌دیده، قربانیان جرایم است نه اقسام دیگر آن، با توجه به تعاریف مختلفی که از بزه‌دیده شد، آن را می‌توان به اختصار چنین تعریف کرد: «بزه‌دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم، به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد.» (رایجیان اصلی، پیشین) نکته کلیدی در تعریف بزه‌دیده، این است که خواستگاه بزه دیدگی (بزه) برای این تعریف بسیار مهم و تعیین کننده است شخصی که در این تعریف به کار برده شده شامل شخص حقیقی است مبنای ما در این مقاله، تعریف اخیر است یعنی بزه‌دیدگی که از طریق رفتار مجرمانه روی دهد.

۲. عوامل اجتماعی (آموزشی) بزه‌دیدگی اطفال

۱.۲. محیط آموزشی

آموزش از جمله حقوق اولیه طفل به حساب می‌آید در افغانستان نیز براساس ماده ۴۳ قانون اساسی، تعلیم حق اتباع آن است این ماده قانون اساسی کشور با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت چنین مقرر می‌دارد: «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد» (قانون اساسی افغانستان، ماده ۴۳) در ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق اطفال نیز از حق تعلیم سخن به میان آمده است و در ضمن اظهار حق تعلیم در بند دوم این ماده به مطابقت امور انضباطی با شأن تأمین عدالت و حاکمیت قانون انسانی طفل نیز تأکید

شده است: «دولت‌های طرف کنوانسیون باید کلیه‌ای اقدامات الزام را اتخاذ کنند تا مطمئن شوند که مقررات مکتب به طرز اجرا می‌گردد که با وقار و منزلت انسانی طفل سازگار است و با این کنوانسیون مطابقت دارد.» (کنوانسیون حقوق اطفال مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۸۹، ماده ۲۸) با وجود توجه جدی دولت افغانستان و کنوانسیون حقوق طفل به آموزش طفل با حفظ کرامت انسانی آن، موارد زیادی به چشم می‌خورد که طفل در محیط آموزشی به خشونت و ترور شخصیتی از طرف آموزگاران، هم‌صنفان و سایر اشخاص مواجه‌اند در محیط آموزشی عوامل بزه‌دیدگی اطفال شامل تنبیه از طرف آموزگاران، ایجاد ترس و اضطراب توسط آنان و هم‌صنفانش، نحوه برخورد معلمان و هزینه‌های آموزشی طفل می‌شود. (شریفی، ۱۳۹۶: ۶۵)

۲.۲. تنبیه اطفال

با وجود طرزالعمل‌های مبنی بر ممنوعیت تنبیه در مدارس (مکاتب) که هر سال از طرف وزارت معارف (آموزش و پرورش) توصیه و ارسال می‌گردد، این عمل در مدارس از شیوه‌های رایج است و حتی در بسیاری موارد به آسیب جدی منجر شده است. این نشان می‌دهد که برای منع بدرفتاری و خشونت با اطفال در محیط آموزشی، قوانین کافی تدوین نشده است. در این رابطه تنها تدوین قوانین کافی نیست، بلکه نظارت بر اجرای قوانین ضروری است عدم آموزش استادان در برخورد صحیح با طفل و نوجوان، دیدگاه معلمان به تنبیه بدون توجه به حدود آن، عدم آشنای با روحیه اطفال و عدم آموزش صحیح آنان در نحوه رفتار در محیط مدرسه و کلاس، می‌تواند از عوامل تنبیه باشد. تنبیه فیزیکی اطفال و استفاده از خشونت به‌خاطر اصلاح آنان، یکی از مسایل جدی در مدارس است. به‌گونه‌ی که بسیاری از معلمان این مسئله را عادی و یکی از روش‌های آموزش قلمداد می‌کنند، اما معلم تنها وظیفه سوادآموزی به اطفال را به عهده ندارد، بلکه او پرورش دهنده نسل‌ها و تربیت کننده شخصیت‌ها و پایه‌گذار بسیاری از خصلت‌های بنیادی در انسان است. در اسناد ملی و بین‌المللی مربوط به اطفال، مهم‌ترین هدف آموزش و پرورش، تأمین عدالت و حاکمیت قانون،

ارتقای عزت نفس و کرامت طفل ذکر شده‌است. بند چهارم ماده ۲ قانون معارف، هدف از تعلیم اطفال را رشد و انکشاف استعدادهای اخلاقی، عاطفی، ذهنی، پرورش جسمی و روحیه‌ی اجتماعی شاگردان می‌داند. ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق طفل نیز از مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت، رشد شخصیت، استعداد، قابلیت‌های جسمانی و ذهنی طفل را تا آخرین ظرفیت ممکن می‌داند توسل به خشونت و تنبیه، نه تنها با این اهداف سازگار نیست بلکه از عوامل مخرب و کاهش دهنده عزت و اعتماد به نفس در طفل خواهد بود خشونت و تنبیه بدنی، سبب انتقال این خصیصه، به اطفال و تبدیل آنان به افراد خشن خواهد شد. تنبیه شدن پیاپی اطفال باعث می‌شود که تنبیه برای این اطفال به یک امر عادی تبدیل شده که به پذیرفتن آن از سوی هرکس تن خواهند داد. (کلی، ۱۳۸۲: ۶۰-۶۱) علاوه بر این، تنبیه‌های نامناسب باعث کاهش سطح علاقه‌مندی اطفال و گریزان شدن آنان از محیط مکتب خواهد شد.

۳.۲. ایجاد ترس و اضطراب

مدرسه (مکتب) رفتن برای اطفال نه تنها خوش آیند نیست، بلکه با ترس و اضطراب همراه است. خصوصاً هنگام امتحانات گاهی این ترس و اضطراب چنان شدید است که اطفال مورد آسیب شدید فشارهای روحی و روانی قرار می‌گیرند. رفتن به مکتب همیشه برای اطفال یک تجربه مثبت نیست محیط آموزش به نظر اطفال و کودکان می‌تواند سرد، بدون سیستم گرم کننده یا گرم بدون هوای تازه باشد. هم‌چنان اطفال محیط آموزش را به دیده‌ای می‌نگرند که در آن ساعات طولانی را سپری کرده، گرسنه و تشنه می‌مانند و در اثر نبود تسهیلات لازم، قادر به دریافت مواد خوراکی و آب آشامیدنی نباشند. (شریفی، پیشین: ۶۶) علاوه بر این، نظر به نتایج سوری و ارزیابی‌های که در آن اطفال کارگر روی ریسک ابراز نظر کرده‌اند، اطفال مدرسه را جایی فکر می‌کنند که در آن توسط معلم یا شاگردان بزرگسال تهدید و سرزنش می‌شوند. این شرایط موانعی‌اند که سد راه آموزش قرار می‌گیرند شرایط فوق حتی می‌تواند بدتر از این باشد تأمین عدالت و حاکمیت قانون در صورتی که معلمان مجرب

وجود نداشته باشد، اطفال از مواد درسی با کیفیت برخوردار نباشند، حکومت باید مسؤولیت خود را ایفا کرده و اطمینان حاصل کند که مدارس به خواست اطفال باشند و باید کلیه نیازمندی‌های اطفال را رفع کند و محیط مدرسه باید برای اطفال راحت و دل‌گرم کننده باشد وزارت معارف باید اطمینان حاصل کند که کلیه‌ای مدارس با خواست اطفال عیار باشند این چنین وضعیت از طریق ایجاد مدارس مصون و محفوظ، معلمان آموزش دیده، وسایل و تجهیزات لازم و مواد درسی به وجود می‌آید. نظارت و گزارش دهی باید به سطح مدارس تقویت یابد تا از خشونت در مدارس جلوگیری شود.

۴.۲. هزینه‌های آموزشی

چنانچه قبلاً گفته شد، قانون اساسی کشور ما در بند اول ماده ۴۳ از حق برخوردار آموزش رایگان سخن گفته است که عامل افزایش دانش‌آموزان گردیده است. با وجود این، کیفیت پایین درسی، کمبود معلمان متخصص و مسلکی، کمبود کتاب و مواد درسی و عدم مسؤولیت‌پذیری معلمان و مسؤولان مدارس در مدارس دولتی، باعث شده‌اند که خانواده‌های زیادی فرزندان شان را به مدارس خصوصی بفرستند که در این صورت استفاده از امکانات آموزشی و پرداخت هزینه تعلیمی (شهریه) برای تعداد زیادی از خانواده‌ها سنگین است. این می‌تواند علت ترک تحصیل باشد اکثر والدین احساس می‌کنند هزینه بالای تحصیلی، دلیل قانع کننده برای بیرون آوردن اطفال از مدرسه است. در مناطق روستایی وجود فرصت‌های شغلی در اختیار نوجوانان و هزینه استفاده از امکانات آموزشی، باعث از دست دادن درآمد بالقوه ناشی از کار طفل برای خانواده می‌شود و همراه با هزینه‌های مستقیم منجر به ترک تحصیل می‌گردد. (پژمان، ۱۳۹۲: کمیسیون حقوق بشر)

۳. عوامل خانوادگی بزه دیدگی اطفال:

یکی از عوامل مؤثر در بزه‌کاری و بزه‌دیدگی طفل، خانواده است. محیط خانه اولین و با دوام‌ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد در این شکی

نیست که طفل برخی از خصوصیات را از والدین خود به ارث می‌برد و از این راه پدر و مادر زمینه رشد و پیشرفت فرزندان را فراهم می‌کنند نقش والدین در شخصیت‌سازی فرزندان، تنها محدود به جنبه ارثی نبوده بلکه در آشنایی طفل به زندگی جمعی و فرهنگی جامعه نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند زندگی طفل در محیط خانواده تحت تأثیر مستقیم اعضای فامیل مخصوصاً پدر و مادر شکل می‌گیرد خانه محلی است که اطفال امور مختلف را در آن فرامی‌گیرند گاهی پدر و مادر آگاهانه چیزهای برای طفل شان یاد می‌دهند؛ اما در اکثر موارد طفل از عمل‌کردها و رفتار والدین چیزهای را یاد می‌گیرد که پدر و مادر متوجه نیستند بدیهی است که طفل از طریق همین محل کوچک خانه با دنیای خارج از آن آشنا می‌گردد و طرز معاشرت با دیگران را می‌آموزد آشکار است که اطفال برای همه انسان‌ها عزیزند پدران و مادران نه تنها فرزندان شان را دوست دارند، بلکه براساس عواطف انسانی، با همه‌ای اطفال مهربان‌اند هرچند لازم باشد از آنان حمایت نیز می‌کنند، اما با وجود این همه، گاهی همین محیط کوچک، مملو از عواطف و احساسات که در تکوین و بازسازی شخصیت نقش اول را بازی می‌کند، سبب بزه دیدگی اطفال نیز می‌گردد (شریفی، پیشین: ۶۷) به‌طور مثال وقتی اطفال در برابر توقعات بی‌مورد پدر و مادر قرار می‌گیرند، گاهی مجبور می‌شوند تمایلات و نیازمندی‌های خود را در برابر آنچه پدر و مادر می‌خواهد، فدا کنند پدر و مادر انتظار دارد که طفل آنان در مضمون‌های علوم طبیعی نمره عالی به دست آورد، ولی آن طفل نمی‌تواند چنین دست‌آوردی را کسب کند در نتیجه منجر به شکست می‌شود و از ترس این‌که والدین او را با دیگر اطفال مقایسه کنند و در برابر او اظهار بی‌مهری کنند، ممکن است که این طفل به تقلب مبادرت ورزد گاهی نیز طفل نمی‌تواند مطابق به توقعات والدین عمل کند در این صورت احساس حقارت می‌کند، خود را فرد بی‌ارزش می‌پندارد و نسبت به همه چیز بد بین می‌شود در نهایت به بیماری‌های روانی گرفتار می‌شود در بررسی عوامل بزه‌دیدگی اطفال، موارد بسیار به نظر می‌رسد که مربوط به والدین و محیط خانواده است. (پژمان، ۱۳۹۲: گزارش حقوق بشر سازمان ملل متحد)

۱.۱.۳. والدین

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل زمینه‌ساز بزه‌دیدگی اطفال می‌توان به عوامل خانوادگی به خصوص سن و سال، شغل، اعتیاد، بی‌سوادی و سابقه محکومیت والدین اشاره کرد.

۱.۱.۳.۱. میزان سواد والدین

سهل‌انگاری و بی‌توجهی والدین نسبت به آینده اطفال و نیز نگرش منفی آنان نسبت به مکتب (مدرسه) و تحصیل، دسترسی نداشتن به فرصت‌های آموزشی، خلأ تربیتی و... همه، حاصل بی‌سوادی یا پایین بودن سطح تحصیلی والدین است. میزان تحصیلات از شاخصه‌های مهم در محیط خانواده است. سطح دانش والدین نقش اساسی در کاهش یا افزایش بزه‌دیدگی دارد. عدم آگاهی از حقوق اطفال و بی‌سوادی والدین خود عامل اساسی برای خشونت و آزار کودک است. البته قابل توجه است که در دهه‌ی اخیر با وجود این‌که اکثریت والدین کشور ما بی‌سوادند، اکثریت قاطع یک نوع نگرش مثبت پیدا کرده‌اند. به هر شکل ممکن اطفال شان را به مکاتب (مدارس) فرستاده‌اند. با آن‌که نگرش مثبت به علم و دانش به والدین ایجاد شده‌است، گاهی والدین در برابر اطفال شان خشونت می‌کنند.

۲.۳.۳. اعتیاد والدین

اعتیاد یکی از پدیده‌های تباه‌کننده است که در چند سال اخیر در افغانستان تأمین عدالت و حاکمیت قانون گسترش یافته است. براساس آمار وزارت امور داخله (وزارت کشور) آمریکا، از ۳۰ میلیون جمعیت افغانستان که تولیدکننده ۹۰ درصد هرویین جهان است، یک میلیون و سه صد هزار تن به مواد مخدر معتادند. (پژمان، ۱۳۹۲: ۳۲)

اعتیاد والدین یکی از عواملی است که آزار و بی‌توجهی نسبت به اطفال را افزایش می‌دهد. عاملی که باعث می‌شود بنای شخصیتی والدین، به روی سیستم خانواده شدیداً مؤثر واقع شده و سوء رفتار نسبت به اطفال را دامن زند در خانواده‌های که پدر یا مادر و در بدترین شکل ممکن هردو معتادند؛ طفل در هر شرایط مورد آزار قرار می‌گیرد و والدین معتاد قادر به دنبال کردن یک الگوی رفتاری صحیح برای فرزندان

خود نیستند والدین معتاد ممکن است، زمانی که به شدت تحت فشار قرار می‌گیرند یا به حالت نشه به سر می‌برند، در برابر کوچک‌ترین عمل فرزندان خود، واکنش خشن انجام دهند ممکن است پس از مصرف مواد مخدر زمانی که به آرامش می‌رسند، به اطفال شان به شکل افراطی محبت کنند؛ این‌ها هیچ‌گاه مفهوم درست عمل صحیح و غلط را درک نمی‌کنند.

۳.۳.۳. سابقه کیفری (محکومیت) والدین

پدر و مادر که خشن و ضد اجتماعی یا دارای سابقه جرمی‌اند و آنان که خارج از خانواده پرخاش‌گرند، احتمال زیاد وجود دارد که در خانواده خود خشن و بدرفتار باشند انحطاط اخلاقی والدین به‌عنوان عامل خانوادگی تأثیرگذار بر کودک آزاری مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴.۳.۳. جمعیت خانواده

جمعیت زیاد در خانواده، توجه و مراقبت کافی نسبت به اطفال را محدود کرده و هم با وارد شدن فشارهای جانبی، خطر وقوع کودک آزاری را افزایش می‌دهد خانواده‌های پرجمعیت غالباً از نظر اقتصادی در وضعی مناسب نیستند در این خانواده‌ها سطح زندگی پایین است و خانه از امنیت کافی برخوردار نیست و اغلب بی‌برنامه‌اند و کم‌تر به فرزندان شان توجه می‌کنند کثرت فرزندان در یک خانه، شرایط آسیب‌های اجتماعی و انحراف را فراهم و از طرف دیگر تأمین عدالت و حاکمیت قانون را در هم‌چو خانواده سخت می‌سازد و آنان را از لحاظ روحی و روانی، دچار پرخاش‌گری، گيجی و بد اخلاقی می‌کند و به آنان آسیب وارد می‌کند هم‌چنان در این خانواده‌ها رقابت‌ها، حسادت‌ها و ناسازگاری بین فرزندان بسیار است تبعیض و تفاوت‌های جنسیتی میان فرزندان، آنان را به فساد می‌کشاند؛ زیرا احساس حقارت، خود منشأ بسیاری از نا به سامانی‌ها است کودکانی که در محیط خانه تبعیض می‌بینند، در اجتماع می‌توانند افراد عادی و هنجارشکن باشند. (پژمان، ۱۳۹۲: گزارش کمیسیون حقوق بشر افغانستان) جامعه ما، جامعه‌ای است با سنت‌های قدیمی که در آن معمولاً فرزند پسر مطلوب‌تر است؛ چون اعتقاد بر این است که فرزندان پسر باعث تداوم نسل

و بقای اقتصاد خانواده‌اند چنین نگرشی از طرف والدین، زمینه‌های حقارت، تنفر و انزجار را در فرزندان فراهم می‌آورد بررسی‌ها نشان می‌دهد که پدر و مادر از همان لحظه تولد نسبت به طفل دختر یا پسر، تفاوت‌های رفتاری نشان می‌دهند و مشخصاً تفاوت‌ها از زمان در آغوش گرفتن نوزاد و نحوه شیر دادن نوزاد است. هم‌چنان در تشویق، تنبیه و خرید اسباب‌بازی و آزادی‌های فردی و اجتماعی تبعیض وجود دارد (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۹۵) از سوی دیگر در چنین خانواده‌ها احتمال کودک آزاری از سوی خواهران و برادران بزرگ‌تر زیاد است تحقیقات نشان می‌دهد که بیش‌تر کودک آزاری‌ها در خانواده‌های است که تعداد فرزندان بیش از سه نفر است و ضمناً در این خانواده‌ها احتمال بزه‌دیدگی اطفال زیاد است. (مدنی، ۱۳۸۳: ۱۵۰)

۵.۳.۳. سابقه بیماری جسمی یا روانی خانواده

والدین که دچار اختلالات فکری بوده و در قضاوت و پردازش فکری با مشکل رو به رو هستند، از گفتار طفل سوءتعبیر کرده و رفتار آن را مغرضانه برداشت می‌کنند؛ این امر ممکن است ضررهای جدی به طفل وارد کند افرادی که مشکل روانی دارند، ممکن است آزار دهنده باشند والدین که پریشانی و اضطراب روانی دارند، ممکن است اطفال خود را به شدت مورد آزار و اذیت روانی قرار دهند اگرچه بسیاری از والدین آزارگر از ضعف‌های رفتاری یا هیجانی برخوردار تأمین عدالت و حاکمیت قانون‌اند، اما بیماری‌های روانی نوعاً نقش اندکی در بدرفتاری با اطفال دارند و بیش‌تر مجموعه ویژگی‌ها یا صفات شخصیتی‌اند که به‌طور مشترک در والدین کودک‌آزار، به چشم می‌خورد. (یزدی، [بی‌تا]: ۳۵)

۶.۳.۳. طلاق و جدایی در خانواده

در خانواده‌های که طلاق صورت می‌گیرد، طفل علاوه بر آن‌که قبل از طلاق در اثر تعارضات و خشونت‌های رایج در خانواده، آسیب می‌بیند پس از طلاق هم‌چون با یکی از والدین زندگی می‌کند، در نتیجه در معرض تعرض انواع تهدیدها قرار می‌گیرد به احتمال زیاد پس از طلاق، ازدواج مجدد صورت می‌گیرد که در این صورت طفل صاحب نامادری و ناپدری می‌شود و احتمال وقوع خطر و تهدید را برای طفل افزایش

می‌دهد البته بحث فقدان فیزیکی صرفاً مطرح نیست، بلکه عدم ایجاد یک محیط پراحساس و عاطفی و عاری از محبت خانوادگی نیز مطرح است مطالعات جرم‌شناسان و روان‌شناسان مؤید این مطلب است که یکی از علل مهم نابه سامانی رفتار اطفال، خانواده مغشوش، ازهم‌گسیخته و ناهماهنگ است. (نقدی‌نژاد، 1390: 27) در خانواده‌های پراگتشاف و ازهم‌پاشیده، هیجان‌ها و اضطراب‌های عصبی و تحریک مداوم در اثر اختلالات والدین ایجاد می‌شود این امر سبب تأثیر در رفتار اطفال و موجب رشد قوای عاطفی، فرسودگی و ایجاد نفرت و بی‌تفاوتی نسبت به دیگران می‌شود.

۲.۳. انزوای اجتماعی خانواده

یکی دیگر از عوامل اجتماعی بزه‌دیدگی اطفال انزوای خانوادگی است رابطه مستقیم میان انزوا و روابط محدود خانواده با افزایش هرنوع بدرفتاری و بی‌توجهی به اطفال وجود دارد خانواده‌های که روابط اجتماعی گسترده ندارند، میزان بدرفتاری و بی‌توجهی بالاتری را بالای فرزندان خود وارد می‌کنند خانواده‌های که در اجتماع با دیگران کم‌تر در تماس‌اند، وقتی میزان عوامل فشارزا بیش‌تر از میزان حمایت‌های دریافتی باشد، احتمال بدرفتاری با طفل افزایش خواهد یافت تأمین عدالت و حاکمیت قانون خانواده‌های که حمایت اجتماعی دریافت می‌کنند و کمک و راهنمای جهت اجرای نقش خوددارند یا دوستانی دارند که بتوانند شنونده نقش‌های آنان باشند و نشانه‌های غیرعادی رفتار آنان را برای شان گوش‌زد کنند، کم‌تر ممکن است تهاجمات بدنی نسبت به اطفال انجام دهند (نامداری، ۱۳۷۷: ۹۶) عدم دسترسی به سیستم‌های حمایتی و وجود فشارهای تحمیلی از جانب طفل، والدین را در معرض فشار مضاعف قرار داده و در نتیجه با او به خشونت رفتار می‌کنند.

۳.۳. بی‌مذهبی و عدم پایبندی به مذهب خانواده

یکی دیگر از عواملی که در افزایش یا کاهش بزه‌دیدگی اطفال نقش دارد، مذهب است برخی معتقدند: مذهب مانعی در اعمال آزار نسبت به اطفال است اعتقادات از جمله عواملی است که رعایت اصول آن باعث کاهش ناهنجاری و در نتیجه کاهش

انحرافات می‌شود آشنایی با مبانی دینی و پرورش ایمانی قوی و راسخ، باعث ایجاد فضایی از جمله فداکاری، تقوا، پاک‌دامنی، خدمت به خلق و دوری جستن از اندیشه‌های غیرانسانی از جمله ظلم، ستم و دروغ در انسان‌ها می‌شود که پرورش مذهبی بزرگ‌ترین عامل بازدارنده از انحرافات است امروزه انسان‌ها به لحاظ اعتقادی در سطح پایینی قرار دارند و مادی‌گرایی بر زندگی آنان سایه افکنده است و این امر باعث ازدیاد جرم شده است (خراسانی، ۱۳۸۴: ۲۲) در جامعه ما به دلیل پایبندی به اصول و معتقدات مذهبی، کودک‌آزاری کم‌تری رخ می‌دهد اما عدم پایبندی به اصول و معتقدات مذهبی، یکی از عوامل بزه‌دیدگی اطفال در خانواده است و امکان سوءاستفاده و کودک‌آزاری بیش‌تر به نظر می‌رسد.

۴.۳. محل سکونت خانواده

محل و منطقه زندگی افراد در بزه‌دیدگی اطفال و انواع آزارهای که به طفل وارد می‌شود، رابطه مستقیم دارد این رابطه از آن‌جا ناشی می‌شود که اولاً، مجموعه افرادی که در یک منطقه زندگی می‌کنند، از جهات گوناگون فرهنگ، ارزش‌ها، باورها و...، باهم شبیه‌اند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند از سوی دیگر، تأمین عدالت و حاکمیت قانون آزارهای که خارج از خانه به طفل وارد می‌شود نیز تابعی از محل زندگی فرد تغییرهای محیطی پیرامون او است. (کاظمی‌پور، ۱۳۷۷: ۳۳) ظاهر خانه مسکونی و محل قرارگیری آن در مناطق مختلف شهر، تأثیر بسزایی در بزه‌دیدگی اطفال دارد محیط اجتماعی و فرهنگ خانواده از یک‌طرف، محل استقرار منزل در نقاط مختلف شهر از طرف دیگر، نقش مؤثری در بروز یا کاهش انحرافات اجتماعی دارد به‌عنوان نمونه هرچه محیط خانواده برای رشد و تربیت طفل مناسب باشد، ولی محل خانه نامناسب، افراد انواع بزه‌کاری را دیده و تجربه می‌کنند (کی‌نیا، ۱۳۷۴: ۲۷۷) پدر و مادر با انتخاب محل سکونت خود، سطح اجتماعی خانواده خود را تعیین می‌کنند اگر محیط خانه در منطقه‌ای باشد که بروز بزه‌کاری در آن فراوان است، احتمال برخورد اعضای خانواده با این نمونه وجود دارد هم‌چنان در مناطق پرجمعیت و عاری از محیط بهداشتی و

تفریحی، احتمال وقوع جرایم بیش‌تر است امام علی^(ع) در رابطه به تأثیر محیط بر فرد می‌فرماید: شباهت مردم به محیط اجتماعی‌شان، بیش‌تر از شباهت به صفات خانوادگی آن‌ها است. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱۹، ۲۰۹)

۵.۳. خشونت و تندروری

خشونت در برابر اطفال در کشور ما، مشکل فراگیر و جدی به حساب می‌آید اطفال نه تنها در معرض خشونت‌های مستقیم قرار دارند که مورد خشونت‌های غیرمستقیم چون تبعیض، فقر، محرومیت از تعلیم و تربیت، کارهای شاقه، ازدواج زودهنگام و... نیز قرار می‌گیرند خشونت استفاده عمدی از قدرت فیزیکی یا تهدید بر روی خود یا دیگری یا بر یک گروه جامعه است که ممکن آسیب‌های گوناگون در پی داشته باشد اگر محیط خانواده بستر ایجاد خشونت و پرخاش‌گری باشد، نقش قطعی در افزایش رفتار خشونت‌آمیز و بروز و ظهور آن ایفا می‌کند. (اعزازی، ۱۳۷۶: ۲۱۱) گزارش تحقیقی کمیسیون حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۸۶ نشان‌دهنده این است که از ۳۴۰ طفل مصاحبه صورت گرفته است؛ ۶.۱۱ درصد اطفال از طرز برخورد والدین شان رضایت ندارند از جمله‌ای ۲۰۸ طفل، ۶.۵۱ درصد آنان از تأمین عدالت و حاکمیت قانون خشونت‌های فیزیکی و ۴.۴۸ درصد از خشونت‌های روحی شکایت دارند (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ۱۳۸۶) هم‌چنان اطفال که شاهد جنگ و درگیری بین والدین شانند و تبادل کلام رکیک و زننده را نظارت می‌کنند، شدیداً تحت فشارهای روانی قرار می‌گیرند و خطر ابتلا به مشکلات روانی و افسردگی آنان نسبت به دیگران بیش‌تر است. (کمیسیون حقوق بشر افغانستان، ۱۳۸۶)

۶.۳. افراط در توجه و محبت

احتیاج طفل به محبت، از نظر علمی قابل انکار نیست و طفل از مورد محبت قرار گرفتن احساس خوش‌حالی و صمیمیت می‌کند و نیازهای روحی‌اش برآورده می‌شود طفل نیاز به توجه، علاقه و حمایت والدین دارد، اما محبت بیش از حد، بر سلامت روانی اطفال اثر نامطلوب می‌گذارد والدین که بیش از حد معمول به اطفال خود توجه می‌کنند، اطفال آنان وابسته به دیگران بار می‌آید این‌گونه والدین بعضاً در محبت کردن

به حدی افراط می‌کنند که رضایت طفل را بر مصلحت‌های واقعی تعلیم و تربیت او ترجیح می‌دهند این‌گونه اطفال، علاوه بر اتکایی بودن، اعتماد به نفس ضعیف، خجول بودن، در رشد هیجانی خود نیز تأخیر نشان می‌دهد افراط در محبت هم‌چنان باعث می‌شود که طفل بیش‌ترین وقت خود را با والدین گذرانده و در هنگام جدایی به آسانی مورد آسیب‌های روحی و روانی قرار گیرد این خودش یک عامل مهم در بزه‌دیدگی اطفال در محیط خانواده است. (شریفی، پیشین: ۶۸)

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب جمع‌آوری شده در این مقاله به این نتیجه می‌رسیم که اطفال در افغانستان با دشواری‌های زیادی مواجه‌اند بخشی از این مشکلات ناشی از هنجارهای سنتی فرهنگی حاکم بر جامعه است که براساس آن جایگاه و شأن فرودست انسانی برای اطفال در خانواده و جامعه تعریف می‌شود که رفتارهای نابه‌جا نسبت به آنان را نیز در پی دارد بخشی دیگر از مشکلات اطفال ناشی از شرایط و وضعیت سیاسی اجتماعی و اقتصادی کشور است. اعتیاد والدین از عوامل است که در بزه‌دیدگی اطفال نقش مهم بازی می‌کند هم‌چنان بی‌سوادی و سابقه کیفری والدین در بروز این امر بی‌تأثیر نیست.

یکی دیگر از مواردی که از عوامل خانوادگی در بزه‌دیدگی اطفال به حساب می‌آید، کثرت نفوس خانواده، طلاق، خشونت و تندروی بیش از حد در خانواده، افراط در محبت و محل سکونت خانواده است. دسترسی به خدمات آموزشی نیز برای اطفال بسیار محدود است اطفال بی‌شماری در سراسر کشور، از حق آموزش و تعلیم محرومند. مهم‌ترین دلیل محرومیت از حق آموزش و تعلیم، ناامنی، فقر و بیکاری است در مناطق ناامن، نبود امنیت دلیل اصلی محرومیت اطفال از آموزش است. در دیگر مناطق، مهم‌ترین دلیل فقر خانواده‌ها و بیکاری است که هم باعث می‌شود اطفال به‌خاطر هزینه رفتن به مدرسه، از درس و آموزش محروم و مجبور به کار می‌شوند

معضل مهمی که در این بخش باید مطرح گردد، اعمال خشونت در برابر اطفال است، اطفال علاوه بر این که در محیط خانواده و جامعه با انواع خشونت مواجه‌اند، در محیط آموزشی (مدارس و مراکز آموزشی) با انواع خشونت‌ها نیز گرفتارند این خشونت‌ها پیامدهای ناگوار روانی و جسمی برای اطفال به بار می‌آورد فقر شدید در میان بسیاری از خانواده‌ها و بیکاری روزافزون در کشور، باعث شده که اطفال زیادی در سراسر افغانستان مجبور به کار شوند کارهای که اطفال انجام می‌دهند، حاصل و دستمزد بسیار اندک دارد و بدتر از آن این که شرایط بسیار سخت و ناامن بر آنان حاکم است، مثلاً بسیاری از اطفال مجبورند تا دیر هنگام شب روی خیابان‌ها به کارهای هم‌چون: خرده‌فروشی، تمیزکاری یا حمالی و امثال آن تن دهند که می‌تواند آنان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد برای عبور از این معضلات باید اطفال مورد حمایت و توجه جدی دولت قرار گیرد و قوانین حمایتی برای جلوگیری از بزه‌دیدگی اطفال تصویب و به اجرا گذاشته شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. اعزازی، شهال، جامعه‌شناسی خانواده، روشن‌گر و مطالعات زنان، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۴. پژمان، اسدالله، سرآمد، محمدحسین و حسرت، محمدحسین، وضعیت اطفال در افغانستان، کمیسیون حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۲ش.
۵. خراسانی، مجتبی، بررسی علل بزه‌کاری جوانان در استان گلستان، (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، ۱۳۸۴).
۶. دانش، تاج زمان، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، تهران، نشر کیهان، چاپ ششم، ۱۳۷۴.
۷. دانش، جعفر ارجمند، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی؛ یا فرهنگ اصطلاحات حقوق جزای اسلامی، بناب، انتشارات اعظم، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن، محقق صفوان عدنان داودی، بیروت، انتشارات دار العلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۰. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۱. _____، بزه‌دیده‌شناسی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۲. ژرار، لیژ و ژینافیلیزوال، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه کرد علی‌وند و احمد محمدی تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۱۳. شریفی، محمدباقر، «عوامل اجتماعی معنی‌علیه واقع شدن اطفال»، مجله علمی- پژوهشی سارنوال، ۱۳۹۶ش.

۱۴. فیومی احمد بن محمد مقری، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، دارالرضی، چاپ اول، [بی‌تا].
۱۵. کاظمی‌پور، شهال، سنجش نگرش نسبت به تنبیه کودکان و کودک‌آزاری، [بی‌جا]، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ایران، ۱۳۷۷.
۱۶. مدنی، سعید، کودک‌آزاری در ایران، تهران، نشر اکتون، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۱۷. کی‌نیا، مهدی، جرم‌شناسی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، بررسی وضعیت عمومی اطفال در افغانستان راپور تحقیقی / گزارش، عقرب / آبان ۱۳۸۶ ش.
۱۹. کلی، جعفر، والدین و بدرفتاری کودکان، ترجمه مینا معیری، تهران، احسان، ۱۳۸۲.
۲۰. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق طفل، مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ م.
۲۱. موسوی، سیدمحمد، «حمایت از اطفال بزه‌دیده در حقوق افغانستان و اسناد بین‌المللی»، فصل‌نامه علمی، تخصصی گفتمان حقوقی، سال چهارم، ۱۳۹۶ ش.
۲۲. نقدی‌نژاد، مجتبی، پیش‌گیری از بزه‌دیدگی اطفال در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، تهران، جاودانه، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۲۳. نامداری، پریسا، بررسی میزان شیوع سوءرفتار در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر خرم‌آباد و تحقیق عوامل مؤثر بر آن، (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش).
۲۴. یزدی، باقر، گزارش طرح تحقیقاتی بررسی کودک‌آزاری جسمانی در مراجعه به درمانگاه شهر تهران، اداره کل پیش‌گیری، [بی‌تا].